

سعید برآبادی؛ با وجود حملات گسترده علیه داعش و کوچک‌شدن هرروزه مرزهای این امپراتوری کوچک خشن، هنوز هیچ خبری از ختم‌به‌خیرشدن این پرورنده منطقه‌ای نیست. آوارگی میلیون‌ها، عراقی و سوری و گسترش جنگ به ابعاد مختلف زندگی مردم منطقه واز همه مهم‌تر، پدیدارشدن چهره‌ای تازه از خشونت، همه‌ومه دلایل بی‌صبری مردم خاورمیانه برای شنیدن خبر سقوط داعش است، اما کوبی این جنگ را سر پایان نیست. صالح نیکبخت، حقوق‌دان و وکیل دادگستری در این گفت‌وگو پاسخ چنین سوالی را با بررسی علل و انگیزه‌های ظهور داعش آغاز می‌کند و در ادامه باتوجه‌به آشنایی کافی از که با منطقه عراق و ریشه‌های قومی و ملیتی این بخش از خاورمیانه دارد، دلایل تأخیر در پایان‌یافتن قاتله داعش را برمی‌شمرد.

**۲ باتوجه‌به ظهور ناگهانی داعش، چرا سقوط این گروه تروریستی تا این اندازه به تأخیر افتاده است؟**

جنگ جهانی اول در اصل برای تقسیم بازارها و مناطق تحت‌نفوذ و حاکمیت کشورهای امپریالیستی بود. به‌همین‌دلیل ظهور گروه‌های سیاسی با مذهبی و دینی مانند طالبان، القاعده و داعش با اندیشه بازگشت به گذشته و سلفی‌گری و... در کشورهای اسلامی، بیش‌ازهرچیز به ساختار اجتماعی، فرهنگی و تضادهای ملی و قومی و تعارضات فکری و مذهبی مرتبط است که در بستر مناسب همین کشورها در چارچوب مرزهای ساخته‌شده توسط کشور متخاصم در جنگ جهانی اول، به‌وجود آمده است. ترکیب جمعیتی این کشورها از لحاظ دینی و مذهبی و ناهمگونی فرهنگی و تاریخی این جوامع انسانی، زمینه مساعدی برای ظهور این گروه‌ها و عقاید افراطی فراهم کرده است، به‌طوری‌که در کشورهایی که این گروه‌ها فعال هستند، پیش‌زمینه فرهنگی و اعتقادی، سبب‌ساز پذیرش این گروه‌ها شده بود. افکار و عقاید و مذاهب ناهماهنگ و نوناگون موجود در برخی از این سرزمین‌ها از همان زمان به‌وجودآمدن این کشورها در قالب دولت- ملت با هم در تضاد و دشمنی بوده‌اند، به‌نحوی‌که پیوند برخی از ساکنان این مرزهای جغرافیایی با این گروه‌های افراطی نوظهور بسیار بیشتر از روابطی است که ساکنان آن کشورها با همدیگر دارند. ضعیف و قوی‌شدن پیروان هریک از مذاهب یا اقوام می‌تواند جنگی بزرگ به راه اندازد. نگاهی به ظهور و کشور گروه‌های چون القاعده، طالبان، داعش و... نشان می‌دهد این گروه‌ها اگرچه نام‌های مختلفی دارند، اما از لحاظ فکری نوعا یکی هستند و با دلایل و علت‌های مشابه در بستر چنین کشورهایی به‌وجود آمده و رشد کرده‌اند. ۹۵ سال پیش که عراق از زیر سلطه امپراتوری عثمانی خارج شد و تحت قیمومیت بریتانیا قرار گرفت، انگلیسی‌ها حکومت مشروطه سلطنتی به‌ظاهر دموکراتیک را بر این کشور تحمیل کردند و از خانواده «سادات شریف مکه»، پادشاهی برای آن گماردند، اما ازهمان‌زمان تشکیل دولت جدید عراق، دشمنی میان اقلیت عرب سنی و اکثریت شیعه و گردن آشفتن آغاز شد. مبارزه شیعیان و علمای آن و کردها علیه انگلیس نادیده گرفته شد. حکومت اقلیت عرب‌های سنی‌مذهب عراق نه با کردهای سنی‌مذهب سازگار بود و نه با هم‌زادان شیعه خود. نادیده‌گرفتن حقوق کردها و شیعیان و اعمال ستم ملی و مذهبی به دیگر قومیت‌ها و پیروان مذاهب و ادیان، استمرار یافت و عمیق‌تر شد. پس از کودتای سال ۱۹۳۷ عبدالکریم قاسم، که چهره‌ای دموکرات و ملی بود، نه‌تنها این وضعیت اصلاح نشد، بلکه درنهایت عمیق‌تر و زمینه‌ساز اختلاف گسترده و جنگ داخلی در این کشور شد. وضعیت عراق مشابه افغانستان، یمن، سوریه و اغلب کشورهای خاورمیانه و آفریقااست. زیرا مرزهای غیرواقعی و ساختگی برای کشورهای نوساخته چنان ترسیم شده بود که با ملت‌ها از لحاظ نژادی و قومی باهم اختلاف عمیق و دیرینه داشتند یا از لحاظ دینی و مذهبی، پیشینه جنگ و پیکار طولانی و تاریخی داشتند. این کین و پیکار درازمدت درنهایت در این کشورها زمینه ایجاد گروه‌های تندرو را فراهم کرد و در عراق و سوریه و... زمینه‌ساز بروز امثال داعش یا به اصطلاح دولت اسلامی شام و عراق و القاعده شد.

**۳ آیا در بررسی تحولات اخیر عراق، هنوز هم می‌توان ردپای انگلیس را در ایجاد گروه‌هایی چون داعش دید؟ نمی‌توان نقش انگلیس را در ایجاد کشور ناهمگون**

عراق نادیده گرفت. دولت‌های نماینده اقلیت اعراب سنی عراق از سال ۱۹۲۰م، همواره با دست‌نشانده بودند یا همیشه روابط گسترده سیاسی و تجاری محکمی با بریتانیا داشتند. عراق، حتی در زمان صدام، پس از شوری که قرارداد امنیتی ۱۵ ساله با آن داشت، به‌عنوان متنوع‌کردن منابع خرید اسلحه، بیشترین رابطه تجاری و نظامی را با انگلیس داشت. در حقیقت می‌توان گفت کشورسازان دوران استعمار، بعد از جنگ اول جهانی، چنان بازارها را تقسیم کردند که بتوانند هر زمان بخواهند هنگامه قبض و بسط این ناهماهنگی‌ها، آن را رهبری کنند. به‌طورکلی همان کشورهای استعمارگر پیشین براساس شرایط زمان و استعمار نو، از مستعمرات سابق خود بهره‌برداری سیاسی و اقتصادی می‌کنند. هنوز کشورهای شبه‌قاره هند و خلیج‌فارس و شمال آفریقا، بهترین روابط تجاری و سیاسی و نظامی را به‌ترتیب با انگلیس و فرانسه دارند.

**۴ باتوجه‌به اینکه شرایط ایران هم مثل کشورهای دیگر منطقه بوده و از قومیت‌ها، ملیت‌ها و مذاهب مختلف برخوردار است، چرا هیچ‌گاه زمینه‌ساز بروز تروریسم از نوع داعش نشده است؟**

ایران هم مانند غالب کشورهای خاورمیانه یک کشور کثیرالمله و چندمذهبی است ولی همیشه یک نقطه اتکای بهره‌بردار اساسی وجود داشته و آن تعامل پیروان مذاهب اسلامی، قومیت‌ها و ملیت‌ها بوده است که با یکدیگر پیوستگی‌های ملی، فرهنگی و اجتماعی داشته‌اند. شخصیت‌های وطن‌دوست ایرانی در همه دوره‌ها از این پیوستگی برای حفظ اتحاد ملی و امنیت داخلی و خارجی کشور سود برده‌اند. اتحاد اقوام و ملل ساکن ایران همواره سدی در مقابل نیروهای تفرقه‌انگیز و وحدت‌شکن داخلی و خارجی بوده است. هنوز هم در همه شرایط ایران می‌تواند گزینه‌های متنوعی برای حفظ این اتحاد و امنیت ملی و منطقه‌ای در چهار سوی ایران داشته و تأثیرگذار باشد. گرچه سیاست خارجی کشور و روابط ایران با کشورهای دیگر حالت گزینه‌ای پیدا کرده و با تمرکز بر بعضی نقاط محدود دیگر پاماترنا نادیده گرفته می‌شود.

**۵ موقعیت ایران در جنگ با داعش چگونه است؟**

ایران هیچ‌وقت به‌صورت مستقیم نه مستعمره بوده و نه استعمارگر و با توجه به تمدنی غنی و با سابقه دوهزارو ۷۵۰ ساله و تشکیل نخستین پادشاهی متمرکز، متحدکننده و رهایی‌بخش حتی با کشورهای قدرتمند جهان وارد مراوده و تعامل شده تا از خطر فروپاشی محفوظ بماند. بنابراین در وضعیت کنونی که یمن، عراق، سوریه و بسیاری دیگر از کشورهای منطقه به‌دلیل سیاست‌های نادرست دولت‌های این کشورها با جنگ داخلی و تروریسم درگیر هستند، ما می‌توانیم در جهت «اتلاف دوستان» و جلوگیری از تشکیل «اتلاف دشمنان» دارای یک حوزه گسترده امنیت ملی باشیم و تلاش کنیم امنیت پایدار را از راه بازدارندگی ملی به وجود آوریم، اما از چه طریقی و به چه شکلی می‌توان این امنیت پایدار را

پاسخ‌های «صالح نیکبخت» به چرایی زنده‌ماندن داعش

## دوستانمان را بشناسیم



یجاد کرد، مسئله این است.

**۴ گفتید با توجه به میزان امنیت کشور و پیکارچگی حضور گروه‌های مختلف، می‌توان از این ویژگی به‌عنوان برگ برنده‌ای برای حوزه و نفوذ در منطقه استفاده کرد، چالش‌های این حضور چیست؟**

همان‌طوری‌که گفتم معتقدم ایران نتوانسته است آن‌طور که باید و شاید دوستان واقعی خودش را در منطقه پیدا کند. چنان‌که در حوزه سرزمینی تأکید ایران بر یافتن دوستان در بعضی مناطق جنوب عراق و خلیج‌فارس است، درحالی‌که نفوذ فرهنگی ایران همیشه می‌تواند در بخش‌های شمال عراق و جنوب‌شرقی ترکیه و سوریه در میان کردهای ترکیه و عراق و سوریه یا افغانستان و تاجیکستان و بالاخره پاکستان باشد. چندسال پیش یک مقام امنیتی ایران تأکید کرد بهترین دوستان پایدار ما در کشورهای غرب ایران، کردها هستند. با این حال بر سر این سفره مطمئنا نقش ایران کم‌رنک است و در مقایسه با دیگر کشورها ایران جایگاهی کوچک دارد. در روزهای آغازین ظهور عملی داعش در عراق که برنامه فتح اربیل و از آن‌جا هجوم به مرزهای ایران را در سر

می‌پروراندند، این کردها بودند که به مقابله جدی با آنها پرداختند. حماسه کوبانی و مقاومت کردهای شرق سوریه و شکست مفتضحانه این تروریست‌های درنده‌خو در مقایسه با دیگر نقاشی که ادعای مبارزه با تروریست‌ها و داعش را دارند، می‌تواند نقطه اتکالی دائم باشد. در سال‌های جنگ تحمیلی عراق هم کردها زیر یورش‌های سهمگین ارتش رژیم بعثی عراق و بمباران هوایی و حملات توپ و تانک، از ایران حمایت کردند تا جایی که بخش زیادی از ارتش عراق در شمال این کشور زمین‌گیر شد و نتوانست حتی یک وجب از مناطق مرزی کردستان و آذربایجان غربی را اشغال‌ان، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان در حوزه سرزمینی نیز می‌توانند بهترین دوستان ایران باشند. توجه‌نکردن ایران به این موضوع و تمرکز روی مناطقی خاص نشان از این دارد که انتخاب دوستان واقعی ایران در منطقه محدود می‌شود، علاوه‌براین

یک سیاست خارجی فعال و کلان‌نگر می‌تواند حوزه امنیت ملی را گسترده‌تر کند. **۵ وقتی که تا این میزان همکاری و همراهی میان ایران، کردهای عراق و دیگر گروه‌های مخالف با داعش در عراق وجود دارد چرا شاهد سقوط داعش در این کشور نیستیم؟**

ظهور داعش یک پروسه طولانی داشته، سقوطش هم نیازمند گذر زمان است. نمی‌توان قبول کرد که خروج داعش از چند شهر اشغال‌شده در عراق، زمینه‌ساز سقوط کامل این گروه تروریستی باشد. بستر ظهور داعش در عراق از یک دهه پیش به وجود آمد و از سه سال قبل که دولت عراق به ریاست آقای نوری المالکی از یک دولت ائتلافی ملی خارج شد و به یک دولت حزبی (جناحی از حزب الدعوه) تبدیل شد، داعش ظهور کرد و همین دولت

### یک گروه تروریستی کاملاً معمولی

اردنی به‌صورت زنده، انتشار فیلم‌های نابودکردن آثار چندهزار ساله در موصل و شهر تاریخی نمرود یا خوراندن گوشت فرزند به مادر، گورهای دسته‌جمعی ایزدیان و اسیرگرفتن دختران فروگذار نکردند. **●** آنان با فروختن نفت به ارزان‌ترین قیمت ممکن بازار خوبی برای به‌دست‌آوردن ثروت و گذران اقتصادی خود به وجود آوردند به‌گونه‌ای که اشتییکل نوشته است داعش ۱۴ چاه نفت در سوریه و عراق را تحت کنترل دارد و نفت این چاه‌ها در تصفیه‌خانه‌های کردها که البته غیرقانونی است، پالایش می‌شود. گزارش شده این نفت‌ها از طریق قاچاقچیان به تاجار ترکیه به بهای حدود ۲۵ دلار برای هر بشکه فروخته می‌شود. **●** داعشی‌ها درباره آثار فرهنگی دو سیاست دارند؛ از یک‌طرف بحث ازبین‌بردن آثار باستانی توانسته ضربه بزرگی به تمدن و تاریخ بزند، اما از سوی دیگر سبب بی‌اعتمادی به آثار موجود شد. داعشی‌ها آثار باستانی را که اعلام می‌کنند، نابود کرده‌اند، به قاچاقچیان فرهنگی می‌فروشدند و برای خود ثروت‌های کلان ذخیره می‌کنند. «تایمز» ادعا کرد داعش سود میلیون‌دلاری از طریق خریدوفروش آثار فرهنگی و باستانی در سایت اینترنتی EBAY به دست آورده است.

### زاویه

هم مورد انتقاد مراجع عالیقدر شیعه قرار گرفت و نیز زمینه‌ساز گسترش آن معرفی شد. فاجعه سقوط موصل و تکریت و تصرف دو استان مهم در کمتر از یک هفته و تسلیم دو لشکر ارتش که حتی یک تیر هم شلیک نکردند و به‌دست‌آوردن آن همه سلاح سبک و سنگین و توپ و تانک و زره‌پوش توسط داعش، حکایت از فساد سیاسی در عراق داشت. دولت مالکی در مسیری قرار گرفته بود که موجب تشدید و تعمیق اختلاف‌های دیرینه شیعه و سنی شد و اقلیم کردستان را در انزوا قرار داد. برخی گروه‌های سنی هم که هرگز حاضر به پذیرش یک دولت اکثریت شیعه نبودند خواب آشفته بازگشت حکومت ۸۰ ساله سنی‌ها را در سر می‌پروراندند. همه این عوامل موجب ظهور داعشی شد که از یک تشکیلات گسترده بر مبنای اندیشه‌های سلفی‌گری و با استفاده از نیروهای نظامی یعنی کنارگذاشته‌شده بعد از سقوط صدام مبدل به جوخه‌های اعدام شده است. چنین گروهی که در یک پروسه طولانی‌مدت رشد و ظهور کرده سقوطش هم نیازمند زمان طولانی است. خطاست اگر تصور کنیم با آزادکردن شهرهای تکریت و رمادی و موصل، داعش هم از بین می‌رود. با توجه به نفوذ و حضور این تشکیلات تروریستی در مناطق سنی‌نشین شمال بغداد و استان‌های الانبار و دیاله و عقاید تندروانه آن، داعش با تبدیل جنگ جبهه‌ای نظامی به جنگ چریکی و حملات تروریستی مرگ‌بار و گسترده، برای مدتی طولانی باقی خواهد ماند و مناسب‌ترین راه مبارزه با آن کار فرهنگی و روشنگری دینی در مناطق سنی‌نشین عراق است. صرف مبارزه نظامی برای حذف فیزیکی داعش ممکن است آنها را از تروریست‌های خون‌آشام به مجاهدان اسلام تبدیل کند و این زخم ناسور شود. دراین‌صورت دور نیست که داعش پیش‌گیرد که نیازمند بررسی و تحلیلی دیگر است.

**۴ آیا روند مقابله با داعش باعث نشده این پرورنده همچنان باز بماند و زمان نابودی داعش کندتر شود؟**

ظهور داعش با فاصله زمانی اندک و واکنش متحده جهانی را به‌دنبال داشت، اما نیروی همین واکنش‌ها کم‌رنگ شده و دودلی دولت عراق در تأمین سلاح نیروهای پیشمرکه کرد و سازماندهی نیروهای مردمی سنی، روند مقابله با داعش را کند کرده است. اجازه دهید از اینجا به موضوع آزادسازی تکریت اشاره کنم. پس از آزادسازی چند شهر از دست داعش، مردم بعضی از این شهرها مدعی این فافله حضور بعضی نیروها در روند آزادسازی این مناطق شدند. هیأت‌دولت حیدر عبادی نیز دریافتند که مقابله با داعش نیازمند یک نوع سازماندهی منسجم داخلی است، ولی به‌جای پذیرش خطاها بر آن سروش می‌گذارند، این‌گونه برخوردها با داعش می‌تواند خیلی‌زود، گروه‌های تندروتر از داعشی‌ها را در مناطق آزادشده و حتی سایر مناطق ایجادکند.

**۵ یعنی نیروهای عراقی منظم که متشکل از پیشمرکه‌ها و ارتش عراق هستند، خودشان باید کشورشان را از لوث داعش پاک کنند؟**

طبعاً! اما همین روند هم امروز چالش‌هایی دارد؛ ازیک‌سو ارتش عراق این توانایی را به‌لحاظ لجستیکی و نیروی انسانی و هماهنگی ندارد و ازسوی‌دیگر حاضر نیست نیروهای پیشمرکه کرد را برای مقابله با داعش، با سلاح‌های متناسب با سلاح‌های به‌غنیتم‌گرفته‌شده توسط داعش از ارتش عراق مسلح کند. چنین اختلافی در روند آزمایش‌بردن داعش، وقتی نتیجه عکس پیدا خواهد کرد در دراییم ائتلافی پنهان دست‌به‌کار شده تا نگذارد تروریسم در عراق و مصائب این کشور به‌زودی تمام شود، وانگهی ارتش عراق به‌تنهایی یا حتی با کمک پیشمرکه‌ها نمی‌تواند داعش را به‌کلی از منظر نظامی شکست دهد و باید از نیروهای مردمی سازمان‌یافته و تابع مقررات و فرماندهی واحد کمک بگیرد. نیروی مردمی وقتی مؤثرند که مانند ارتش و پیشمرکه‌های تحت رهبری دولت فدرال یا دولت اقلیم کردستان باشند و مردم وجود آنها را مایه آسایش و آرامش خود بدانند. در پایان لازم است به یک نکته دیگر نیز اشاره کرده و بر آن تأکید کنیم؛ درحال‌حاضر بیش از دو میلیون آواره از قومیت‌ها و مذاهب مختلف عراقی و سوریه در بخش آرام و امن اقلیم کردستان زندگی می‌کنند. دولت عراق و سازمان‌های جهانی از خیل عظیم این آوارگان حمایت لازم را نمی‌کنند و بیم آن می‌رود همین مسئله خود به معضلی دیگر تبدیل شود و مشکلاتی به‌وجود آید که موجب سوءاستفاده داعش و نفوذ در میان آوارگان شود.

- داعشیان توانستند در زمینه کشتن افراد و ایجاد رعب و وحشت به بدترین شیوه‌ها عمل کنند، گردن‌زدن به‌صورت زنده و نوجوانانی که به صورت گروه اسرا می‌کشند، تنها از معدود شیوه‌های کشتار این گروه است.
- یکی از سیاست‌های دفاعی آنان این است که هریار در جبهه‌های شکست می‌خورند، به جای دیگری حمله می‌کنند؛ نمونه‌اش شکست در تکریک و حمله به اردوگاه آوارگان فلسطینی در یرموک است.
- داعشی‌ها سعی می‌کنند با انتشار عکس‌هایی از حضورشان در کنار استخرهای بزرگ و سواحل زیبا، بسیاری را علاقه‌مند کنند.
- اما درنهایت، داعشی‌ها هم سکه‌های مخصوص به خود را ضرب کرده و هم برای اعضای خود کارت ملی صادر کرده‌اند. آنان کارت ملی خود را به‌طور رسمی برای نیروها و مردم شهرهای تحت سیطره خود در سوریه و عراق چاپ و صادر کردند که اطلاعات روی این کارت، شامل نام، نام خانوادگی، گروه خون، تاریخ صدور، محل اقامت و شغل صاحب کارت است. به گزارش العالم، داعش سکه‌های خاص خودش را در مناطق تحت کنترل خود در عراق و سوریه ضرب کرده و این سکه‌ها از جنس طلا، نقره و مس هستند.

##### گفتار

#### معجزه هنر درکاوش خشونت



حسن ناهید

کمتر هنرمند ایرانی‌ای را می‌شناسید که به جرم قتل یا دردی محکوم شده باشد. من نیز در بیش از نیم‌قرن سابقه هنری‌ام چنین چیزی به‌خاطر ندارم. کمتر هنردوستی را می‌شناسید که به رفتار خشونت‌آمیز شهره باشد. در چنین شرایطی است که برخورد با برنامه‌های فرهنگی و هنری و مانع‌ایجادکردن برای برگزاری کنسرت‌های موسیقی یا نمایش فیلم‌ها و تئاترها جای تعجب دارد و به‌عنوان مسئله‌ای لاینحل باقی مانده است. این اتفاق در حالی در ایران رخ می‌دهد که در تمام دنیا، نه‌تنها مسئولان فرهنگی که حتی دیگر زمامداران حکومت، تلاش می‌کنند تا هرچه‌بیشتر بحث هنر را در جامعه گسترش دهند؛ آنان به‌خوبی به این نکته واقف هستند که گسترش مسایل هنری و آموزشی، سهل‌ترین و درعین‌حال کم‌هزینه‌ترین راه است تا جامعه‌ای آرام داشته باشند؛ جامعه‌ای که نه‌تنها از خشونت عاری است، بلکه حتی ثروت‌ها و منابع طبیعی تروریست‌های خون‌آشام به مجاهدان اسلام تبدیل کند و این زخم ناسور شود. دراین‌صورت دور نیست که داعش پیش‌گیرد که نیازمند بررسی و تحلیلی دیگر است.

**۴ آیا روند مقابله با داعش باعث نشده این پرورنده همچنان باز بماند و زمان نابودی داعش کندتر شود؟**

ظهور داعش با فاصله زمانی اندک و واکنش متحده جهانی را به‌دنبال داشت، اما نیروی همین واکنش‌ها کم‌رنگ شده و دودلی دولت عراق در تأمین سلاح نیروهای پیشمرکه کرد و سازماندهی نیروهای مردمی سنی، روند مقابله با داعش را کند کرده است. اجازه دهید از اینجا به موضوع آزادسازی تکریت اشاره کنم. پس از آزادسازی چند شهر از دست داعش، مردم بعضی از این شهرها مدعی این فافله حضور بعضی نیروها در روند آزادسازی این مناطق شدند. هیأت‌دولت حیدر عبادی نیز دریافتند که مقابله با داعش نیازمند یک نوع سازماندهی منسجم داخلی است، ولی به‌جای پذیرش خطاها بر آن سروش می‌گذارند، این‌گونه برخوردها با داعش می‌تواند خیلی‌زود، گروه‌های تندروتر از داعشی‌ها را در مناطق آزادشده و حتی سایر مناطق ایجادکند.

**۵ یعنی نیروهای عراقی منظم که متشکل از پیشمرکه‌ها و ارتش عراق هستند، خودشان باید کشورشان را از لوث داعش پاک کنند؟**

طبعاً! اما همین روند هم امروز چالش‌هایی دارد؛ ازیک‌سو ارتش عراق این توانایی را به‌لحاظ لجستیکی و نیروی انسانی و هماهنگی ندارد و ازسوی‌دیگر حاضر نیست نیروهای پیشمرکه کرد را برای مقابله با داعش، با سلاح‌های متناسب با سلاح‌های به‌غنیتم‌گرفته‌شده توسط داعش از ارتش عراق مسلح کند. چنین اختلافی در روند آزمایش‌بردن داعش، وقتی نتیجه عکس پیدا خواهد کرد در دراییم ائتلافی پنهان دست‌به‌کار شده تا نگذارد تروریسم در عراق و مصائب این کشور به‌زودی تمام شود، وانگهی ارتش عراق به‌تنهایی یا حتی با کمک پیشمرکه‌ها نمی‌تواند داعش را به‌کلی از منظر نظامی شکست دهد و باید از نیروهای مردمی سازمان‌یافته و تابع مقررات و فرماندهی واحد کمک بگیرد. نیروی مردمی وقتی مؤثرند که مانند ارتش و پیشمرکه‌های تحت رهبری دولت فدرال یا دولت اقلیم کردستان باشند و مردم وجود آنها را مایه آسایش و آرامش خود بدانند. در پایان لازم است به یک نکته دیگر نیز اشاره کرده و بر آن تأکید کنیم؛ درحال‌حاضر بیش از دو میلیون آواره از قومیت‌ها و مذاهب مختلف عراقی و سوریه در بخش آرام و امن اقلیم کردستان زندگی می‌کنند. دولت عراق و سازمان‌های جهانی از خیل عظیم این آوارگان حمایت لازم را نمی‌کنند و بیم آن می‌رود همین مسئله خود به معضلی دیگر تبدیل شود و مشکلاتی به‌وجود آید که موجب سوءاستفاده داعش و نفوذ در میان آوارگان شود.

##### نگاه

##### سوفاف خشونت



گیتی مفرزاده

شاید شما هم شاهد این اتفاق بوده‌اید که وسط یک دعوای جدی، یک نفر به وسط می‌آید و با گفتن جمله‌ای که جنبه شوخی دارد، باعث می‌شود ناخودآگاه لبخندی بر لب طرفین دعاو بنشیند و آمیزشان پایین کشیده شده و ماجرا ختم‌به‌خیر شود.

حالا چه نتیجه‌ای می‌خواهیم از این ماجرا بگیریم؟ لابد یک نتیجه عقلانی‌اش این است که همیشه موقع دعوا یک‌آدم شوخ‌طبع دوروبرتان داشته باشید که کار بیخ پیدا نکند. اما واقعیت این است که خشونت خیلی از اوقات جلوه ظاهری‌اش آنقدر مشخص و واضح مثل یک دعوای خیابانی نیست تا بشود با شوخ‌طبعی فکری به حالش کرد. اغلب ما تصورمان از خشونت اخبار کشتار داعش را جزئیات تکان‌دهنده فلان قاتل زنجیره‌ای در بلاد کفر یا تصویر مرد روان‌پریشی است که با مشت به صورت همسرش می‌کوبد. وقتی سرمان را از پنجره ماشین بیرون می‌آوریم تا نسبت‌های قایمیلی فلان راننده‌ای را که بدون راهنما یک‌دفعه پیچیده جلویمان با فریاد به همه یادآوری کنیم یا زمانی که برای وادارکردن بچه‌مان به کاری صدایمان را در فرکانس بالاتری قرار می‌دهیم یا موقعی را که آن‌هم اغلب تفریح لکدی هم به سلطان‌زاله گوشه خیابان می‌زیم جزء رفتارهای خشونت‌آمیز به حساب نمی‌آوریم. ولی متأسفانه باید این را قبول کنیم این رفتارها هم مصداق خشونت هستند. حالا ممکن است شما بگویید بین خشونتی که باعث کشتن و تکه‌تکه‌کردن یک آدم بی‌گناه می‌شود یا یک فریاد یا لگن ساده - که آن‌هم اغلب توجیه موجهی دارد! - فرق زیادی است، اما نکته اصلی همین‌جاست که خشونت‌های بزرگ و فجیع معمولاً از تلنبارشدن همین خشونت‌های کوچک و به‌ظاهر بی‌اهمیت به‌وجود می‌آیند. البته منظورمان این نیست که حالا هرکس یک دادی سر دیگری کشید، قاتل بالفطره است یا هر بچه‌ای که والدینش با صدای بلند چیزی به او گفتند، باید به دادگاه رسیدگی به خشونت خانگی پناه ببرد -اصلاً چنین دادگاهی تا‌به‌حال به گوشتان خورده؟! - بلکه مقصودمان متوجه‌کردن شما بر این نکته است که مفهوم خشونت خیلی وسیع‌تر از آن چیزی محکومیت‌ش با مسایل هنری و فرهنگی آشنا می‌شود و گاه دیده می‌شود که بعد از خروج از زندان، نه‌تنها دیگر مشکلات گذشته‌اش را دنبال نمی‌کند که زندگی جدیدی از سر می‌گذرانند. این در حالی است که در کشور ما به‌هیچ‌روی از پتانسیل عظیمی که در این زمینه وجود دارد، بهره گرفته نمی‌شود. درحال‌حاضر ما مشاهده می‌کنیم که تعداد زیادی از جوانان، علاقه‌مند به فرآیند موسیقی هستند، کافی است نگاهی داشته باشید به تعداد هنرجویان سازها و آن را با چنددهه قبل مقایسه کنید؛ این مسئله در زمینه کتاب و همچنین دیگر هنرها نیز دیده می‌شود. تیزاز کتاب اگرچه همچنان پایین است اما تعداد کسانی که به‌عنوان نویسنده هم‌اکنون فعالیت می‌کنند، بسیار زیاد شده است؛ اما آیا این پتانسیل عظیم، توانسته به راهکاری در جامعه ختم شود؟ جواب به‌طورقطع منفی است و مایه تأسف؛ تأسف‌بارتر اینکه هنری که می‌توانسته در جهت بهبود وضعیت روانی هنرمند و جامعه حرکت کند، با سرکوب، بیشتر مایه ناامیدی می‌شود و همان‌طور که می‌دانید «ناامیدی» همواره سرایت بیشتری از امید دارد. به‌همین‌خاطر ضروری است تا مسئولان فرهنگی به‌خصوص در دولت کنونی که شعارشان «تدبیر و امید» است، به این مسئله توجه داشته باشند و پادشان باشد که هنر در زندگی ایرانیان همواره راه پرپیچ‌وخم و صعب‌العباسی داشته است؛ مسئله‌ای که به‌راحتی می‌توان در زبان طنز و ادبیات و حتی حرف‌زدنشان مشاهده کرد. ایرانیان تنها مردمانی هستند که حتی در مواقع بحرانی نیز می‌توانند آن را با زبان طنز بیان کنند، این مسئله شاید دلیلی روان‌شناختی و جامعه‌شناسانه داشته باشد که من از آن اطلاعی ندارم، اما می‌توانم آن را به‌عنوان علاقه‌مندی آنان به هنر بدانم؛ همان‌طور که در هیچ کشوری مردم برای دیدن تک‌نوازی یا دنووازی هیچ هنرمندی تا این اندازه علاقه‌مند نیستند. معماری اصیل ایرانی نیز پدیده از این ماجرا برمی‌دارد؛ اما کافی است هم‌اکنون با اندکی تأمل به این مسایل نگاه کنید و ببینید تا چه اندازه ما از هنرهای اصیلمان دور شده‌ایم و همین مسئله تا چه اندازه تأثیر منفی خودش را به‌جا گذاشته است. آنان که نوسال‌بیشتری دارند، هیچ‌گاه تا این میزان خشونت را در جامعه ندیده بودند، خشونتی که هر لحظه آماده انفجار است؛ در این میان است که توصیه می‌کنم از معجزه «هنر» غافل نشوید.

